



اصول فقه ۳ (حلقه ثانی)

سطح ۲

درس ۳۰

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای یاسر سعادت

مقدمه

بعد از پاسخ خاص به سه دسته روایت مورد استدلال اخباری، بر عدم حجیت ظواهر قرآن کریم، شهید صدر به پاسخ عامی - که هر سه دسته روایت که مورد استدلال اخباری را رد می‌نماید - پرداختند که عبارت است از سه طایفه از اخباری که بر لزوم رجوع به ظاهر قرآن، دلالت دارند. دو دسته از این روایات در درس قبل بیان گردید در این درس دسته سوم، که به «اخبار طرح» و «اخبار عرض» معروف هستند، بیان می‌گردد.

به نظر شهید صدر، این سه طایفه از روایات که مردم را به ظاهر قرآن ارجاع می‌دهند، بر روایات مورد استدلال اخباریون مقدم است و اگر این تقدیم پذیرفته نشود، بین این دو دسته روایت تعارض واقع خواهد شد و در صورت تعارض نیز دلیلی بر ردع از سیره، ثابت نخواهد شد.

در ادامه، شهید صدر (ره) به بیان سومین دلیل اخباریون بر عدم حجیت ظواهر قرآن کریم، می‌پردازند؛ این دلیل عبارت است از: انکار ظهور برای قرآن، که دو منشأ نیز برای مجمل بودن قرآن، بیان نموده‌اند.

شهید صدر در پاسخ به این دلیل، به ردّ دو منشأ بیان شده از جانب اخباریون، برای اجمال قرآن کریم می‌پردازند. در نتیجه، به نظر شهید صدر (ره) دلیلی برای عدم حجیت ظواهر قرآن وجود ندارد.

متن درس

[و مما يدفع به الاستدلال بالروايات المذكورة عموماً ما دل من الروايات على الأمر بالتمسك بالقرآن الكريم الصادق عرفاً على العمل بطواهره، و على إرجاع الشروط إليه، و إبطال ما كان منها مخالفاً له....]

و أوضح من ذلك ما دل على طرح ما ورد عنهم عليهم السلام على الكتاب و الإحجام عن العمل بما كان مخالفاً له، فانه لا يحتمل فيه ان يراد منه المخالفة للمضمون القرآني المكتشف بالخبر، لأنه بصدد بيان جعل الضابط لما يقبل و ما لا يقبل من الخبر، كما انه لا يحتمل اختصاص المخالفة فيه بالمخالفة للنص لندرة الخبر المخالف للنص، و كون روايات طرح المخالف ناظرة إلى ما هو الشائع من المخالفة.

فان قدمت هذه الروايات الدالة على حجية ظواهر الكتاب على الروايات التي استدلت بها على نفي الحجية فهو، و ان تكافأ الفريقان فعلى الأقل يلتزم بالتساقط، و يقال بالحجية حينئذ. لأن الردع غير ثابت فتثبت الحجية بالسيرة العقلية بصورة مستقلة، أو بضم استصحاب مفادها الثابت في صدر الشريعة.

الدليل الثالث: و مرده إلى إنكار الظهور بدعوى ان القرآن الكريم

مجمل، اما لتعمد من الله تعالى في جعله مجملاً لتأكيد حاجة الناس إلى الإمام، و اما لاقتضاء طبع المطلب، ذلك لأن علو المعاني و شموخها يقتضى عدم تيسرها للفهم.

و الجواب على ذلك: ان التعمد المذكور على خلاف الحكمة من نزول القرآن، و ربط الناس بالإمام فرع إقامة الحجة على أصل الدين المتوقفة على فهم القرآن و إدراك مضامينه، كما ان شموخ المعاني و علوها ينبغي ان لا يكون على حساب الهدف من بيانها، و لما كان الهدف هداية الإنسان، فلا بد ان تبين المعاني على نحو يؤثر في تحقيق هذا الهدف، و ذلك موقوف على تيسير فهمه.

فالصحيح ان ظواهر الكتاب الكريم حجة كظواهر السنة.

دسته سوم: اخبار عرض

در درس قبل بیان شد که برخی از روایات وجود دارند که ظهور در حجیت ظهور قرآن دارند و مکلفین را به ظاهر قرآن ارجاع می‌دهند؛ دو دسته از این روایات در درس قبل مورد بررسی قرار گرفت. در این درس سومین دسته از این روایات را که به «روایات طرح» و یا «اخبار عرض» معروف هستند، بررسی می‌نماییم.

اخبار طرح، روایاتی هستند که حجیت خبر ثقه را منوط به عدم مخالفت مضمون آن با قرآن کریم دانسته و هر خبری که مضمون آن با قرآن کریم مخالفت داشته باشد، باطل و بی اساس می‌دانند؛ مانند خبری که از امام صادق (ع) نقل شده که فرموده‌اند: «کُلُّ حَدِيثٍ مَرْدُودٍ إِلَى الْكِتَابِ وَالسُّنَنِ وَ كُلُّ شَيْءٍ لَا يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ زَخْرَفٌ»؛ ترجمه: هر حدیثی باید به کتاب و سنت قطعی ارجاع داده شود و هر حدیثی که موافق با کتاب خداوند متعال نباشد، باطل و بی اساس است».

نحوه دلالت اخبار عرض بر حجیت ظاهر قرآن

این اخبار، حجیت احادیث را منوط به عدم مخالفت آن‌ها با قرآن کریم می‌دانند و عرف، حدیث مخالف با ظاهر قرآن را مخالف با قرآن کریم می‌داند؛ لذا آن حدیث فاقد اعتبار و حجیت خواهد بود. پس معلوم می‌شود که ظاهر قرآن حجّت است، در غیر این صورت موجب سقوط حجیت خبر نمی‌شد.

واضح تر بودن دلالت اخبار عرض از دو دسته روایات دیگر

نکته: دلالت اخبار عرض بر حجیت ظاهر قرآن کریم از دو دسته روایات دیگر، واضح تر می‌باشد؛ زیرا نسبت به آن اخبار دو احتمال وجود دارد که نسبت به اخبار عرض، آن دو احتمال منتفی می‌باشد؛ آن دو احتمال عبارتند از:

احتمال اول: اولین احتمالی که در مورد اخبار تمسک به قرآن و اخبار عرضه شروط به قرآن کریم وجود دارد، این است که مراد از قرآن کریم، نفس قرآن نیست، بلکه قرآن به واسطه کشف معانی آن توسط روایات می‌باشد؛ لذا طبق این احتمال، این دو دسته از روایات دلالتی بر حجیت ظاهر قرآن کریم ندارند، اما این احتمال در مورد اخبار عرض منتفی است؛ یعنی می‌توان گفت که مراد از عدم مخالفت با قرآن کریم، عدم مخالفت حدیث با روایاتی است که مفسر قرآن کریم می‌باشد؛ به عبارت دیگر، نمی‌توان گفت که خبر مخالف با قرآن کریم، فاقد حجیت است، اما شناخت مخالفت خبری با قرآن و عدم مخالفت آن، با رجوع مستقیم به قرآن کریم ممکن نیست، بلکه باید به اخبار مفسره قرآن کریم رجوع نموده تا ببینیم که آیا این حدیث با قرآن کریم منافات دارد یا نه؛ زیرا اولاً اخبار عرض، نفس روایات مفسره را نیز شامل می‌شود؛ لذا شناخت مخالفت و یا عدم مخالفت آن‌ها با قرآن کریم باید از راه حجیت ظاهر قرآن باشد، و الاً دیگر راهی برای شناخت عدم مخالفت احادیث مفسره قرآن، وجود ندارد. ثانیاً، مناط حجیت خبر و شرط قبولی خبر نمی‌تواند نفس خبر باشد؛ زیرا بحث در مورد خبری است که می‌تواند مقبول واقع شود که این بحث شامل خبر معارض نیز می‌شود؛ لذا در این حالت نمی‌توان گفت که کدام یک از آن‌ها مقبول و کدام یک غیر مقبول است.

احتمال دوم: دومین احتمالی که در مورد اخبار تمسک به قرآن کریم و اخبار عرضه شروط به قرآن کریم وجود دارد، این است که شاید مراد از قرآن کریم در این دو دسته از روایات، نصوص قرآن کریم باشد؛ یعنی خداوند

سبب آن ما را مکلف به تمسک به نصوص قرآن و عرضه شروط به نصوص قرآن نموده است؛ لذا اگر شرطی مخالف با ظاهر قرآن باشد، باطل نخواهد بود. اما این احتمال در مورد اخبار عرض وجود ندارد؛ یعنی نمی‌توان گفت که مراد از مخالفت خبری با قرآن، مخالفت با نص قرآن است، نه با ظاهر آن؛ زیرا اخبار عرض در صدد بیان ملاکی برای فهم احادیث صحیح از احادیث باطل و مجعول می‌باشد و معلوم است که جاعلین اخبار، دست به جعل احادیث مخالف با نص قرآن کریم نمی‌زنند؛ زیرا در این صورت کسی این اخبار را از ایشان نمی‌پذیرفت. پس اخباری را جعل نمودند که با نص قرآن مخالفت نداشته باشد؛ از این رو می‌بینیم که اخبار مخالف با نص قرآن در غایت ندرت هستند.

بنابراین، عمده اخبار جعلی در مورد مطالبی است که در قرآن کریم صریحاً بیان نشده است و بعید است که اخبار عرض - که در حد تواتر هستند - در مورد اخبار مخالف با نص قرآن باشد؛ چون در غیر این صورت، حمل اخبار کثیره بر فرد شاذ و نادر لازم می‌آید که امری غیر عرفی و غیر عقلایی می‌باشد. در نتیجه، اخبار عرض نسبت به اخبار تمسک و اخبار عرضه شروط، به قرآن کریم، دلالت واضح‌تری بر حجیت ظاهر قرآن دارد.

تطبیق

و أوضح من ذلك^۱ ما دل على طرح ما ورد عنهم عليهم السلام على الكتاب و الإحجام^۲ عن العمل بما كان مخالفا له، واضح‌تر از این (یعنی واضح‌تر از روایاتی که امر به تمسک به قرآن و یا ارجاع شروط به قرآن می‌کند) آن (روایاتی) است که دلالت دارد بر عرضه داشتن آنچه از ائمه معصومین (ع) وارد شده است، بر کتاب و خودداری از عمل به روایات مخالف کتاب^۳.

فانه^۴ لا يحتمل فيه^۵ ان يراد منه المخالفة للمضمون القرآني المكتشف^۶ بالخبر، لأنه^۷ بصدد بيان جعل الضابط لما يقبل و ما لا يقبل من الخبر،

زیرا در این دسته از روایات، احتمال داده نمی‌شود که مراد از آن، مخالفت (روایات) با مضمون قرآنی باشد که به وسیله خبر کشف می‌شود؛ چون این دسته روایات در صدد بیان جعل ضابطه‌ای هستند برای آن خبری که پذیرفته

^۱. مشاراً الیه: دلالت اخبار عرضه شروط به قرآن کریم و اخبار تمسک به قرآن کریم، بر حجیت ظواهر قرآن.

^۲. یعنی: دست کشیدن

^۳. مانند روایت چهاردهم در باب نهم از ابواب صفات القاضی از کتاب وسائل الشیعه: «عن ایوب بن الحر قال سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول:

كل شيء مردود الى الكتاب و السنة و كل حديث لا يوافق كتاب الله فهو زخرف».

^۴. تعلیل برای بیان اوضحیت استدلال به اخبار طرح بر حجیت ظاهر قرآن از دو دسته روایات دیگر می‌باشد.

^۵. مرجع ضمیر: ما دل.

^۶. صفت «المضمون».

^۷. مرجع ضمیر: ما دل علی طرح ...

می‌شود و آنچه پذیرفته نمی‌شود (و ما باید معنا و مضمون قرآن را به طریق دیگری کشف کنیم. آنگاه مضمون خبر را با مضمون قرآن بسنجیم تا ببینیم آیا با کتاب مخالفت دارد یا نه؟^۱).

کما انه لا یحتمل اختصاص المخالفة فيه^۲ بالمخالفة للنص لندرة^۳ الخبر المخالف للنص و کون روایات طرح المخالف ناظرة إلى ما هو الشائع من المخالفة.

چنان‌که احتمال آن نمی‌رود که مخالفت در این دسته روایات، اختصاص به مخالفت (خبر) با نص قرآن داشته باشد؛ زیرا خبری که مخالف نص باشد، نادر است، به جهت آن‌که روایاتی که گوید خبر مخالف با قرآن را طرح کنید، ناظر است به آن (مصادقی از) مخالفت که شایع است (و آن مخالفت خبر با ظاهر قرآن است).

Sco1:۱۳:۴۹

جمع بین روایات پیرامون ظواهر قرآن

در مباحث گذشته بیان شد که یکی از ادله اخباریون بر عدم حجیت ظاهر قرآن کریم، سه دسته از روایات است که پاسخ شهید صدر به هر دسته از این روایات بیان شد. سپس ایشان یک جواب عام به این روایات دادند که عبارت بود از تمسک به سه دسته از روایات بر حجیت ظاهر قرآن کریم. در ادامه، شهید صدر می‌فرمایند: این سه دسته روایاتی که ظاهر قرآن را حجّت می‌دانند، بر سه دسته از روایاتی که به ادعای اخباریون دلالت بر عدم حجیت قرآن کریم دارند، مقدم هستند؛ زیرا این روایات اظهر از روایات ناهی از عمل به ظواهر - به ادعای اخباریون - می‌باشد و عرفاً، اظهر بر ظاهر، مقدم می‌شود. حال اگر کسی اظهاریت اخبار دال بر حجیت ظاهر قرآن را از اخباری که به ادعای اخباریون ظهور در نهی از عمل به ظواهر دارد، انکار نماید، به ناچار باید قائل به تعارض این دو دسته از روایات و تساقط آن‌ها شود و در صورت تساقط دیگر دلیلی بر ردع سیره عقلا بر عمل به ظواهر، وجود نخواهد داشت؛ زیرا اخباریون ادعا می‌نمودند که این اخبار، رادع و ناهی از عمل به سیره عقلا بر عمل به ظواهر قرآن کریم می‌باشد که با توجه به تساقط این اخبار و عدم حجیت آن‌ها دیگر رادعی از سیره مذکور وجود نخواهد داشت.

اشکال: هرچند که اخبار ناهی از عمل به ظواهر قرآن کریم به خاطر تعارض با اخباری دیگر از حجیت ساقط گردید، لکن با وجود این اخبار، سکوت معصوم (ع) نسبت به سیره عقلا بر عمل به ظواهر، محرز نیست. پس برای حجیت سیره، احراز امضای معصوم (ع) نسبت به سیره - اگر چه که این امضا به وسیله سکوت وی کشف شود - لازم است و در این مسأله، سکوتی که کاشف از امضای سیره باشد، محرز نیست؛ لذا نمی‌توان این سیره را حجّت دانست.

پاسخ: شهید صدر (ره) می‌فرمایند: این اخبار در زمان امام باقر (ع) و امام صادق (ع) صادر شده‌اند و قبل از ورود این اخبار - مخصوصاً در زمان رسول گرامی اسلام (ص) سیره عقلا بر عمل به ظواهر قرآن کریم مورد ردع و نهی قرار نگرفته است و در آن زمان حجّت بوده است. اکنون که شک داریم آیا در زمان امام باقر (ع) ردعی از این سیره

۱. زیرا معیار یک شیء نمی‌تواند خود آن شیء باشد.

۲. مرجع ضمیر: ما دلّ علی طرح ...

۳. تعلیل برای «لا یحتمل».

وارد شده است یا نه^۱، عدم ردع و حجیت سیره را استصحاب می‌نماییم. به تعبیر دیگر، با استصحاب، سکوت معصوم را نسبت به سیره عقلا بر عمل به ظواهر احراز می‌نماییم و به حجیت سیره عقلا بر عمل به ظواهر قرآن کریم حکم می‌کنیم.

تطبیق

فان قدمت^۲ هذه الروایات الدالة على حجية ظواهر الكتاب على الروایات التي استدلت بها على نفی الحجية فهو^۳. بنابراین اگر این (سه دسته از) روایات که دلالت بر حجیت ظواهر کتاب دارد (در مقام تعارض)، بر (سه طایفه) روایاتی که به کمک آنها بر نفی حجیت، استدلال شده بود، مقدم گردد، مطلوب ما ثابت می‌گردد.

و ان تكافأ الفريقان^۴ فعلى الأقل يلتزم بالتساقط، و يقال بالحجية حينئذ^۵.

و اگر این دو گروه روایات (یعنی این سه دسته روایاتی که ظاهر قرآن را حجت می‌دانند و آن سه طایفه روایاتی که دلالت بر عدم حجیت ظاهر قرآن دارند) برابر باشند (و ترجیحی پیدا نشود)، دست‌کم باید به تساقط ملتزم شد (و چنان تصور می‌کنیم که اصلاً هیچ روایتی در حجیت یا عدم حجیت ظاهر نداریم). در این هنگام (باز هم) حجیت ظاهر ثابت می‌شود؛

لأن الردع غير ثابت فثبتت الحجية بالسيرة العقلية بصورة مستقلة، أو^۶ بضم استصحاب مفادها^۷ الثابت في صدر الشريعة.

زیرا ردع (از سیره مبنی بر عمل به ظاهر) ثابت نیست. (چون روایات ناهیه در تعارض ساقط شد). پس حجیت به سبب سیره عقلانی به صورت مستقل ثابت می‌شود و یا به سبب ضمیمه کردن استصحاب مفاد سیره که در صدر شریعت ثابت بوده است^۸.

Sco۲:۲۴:۱۹

^۱. زیرا چه بسا اهل بیت در زمان امام باقر (ع) و امام صادق (ع) به خاطر تغییر و تطورات لغات، از ظواهر قرآن کریم نهی نموده باشند.

^۲. سبب تقدیم این است که روایات دال بر نفی حجیت کتاب - بر فرض تمامیتشان - مطلق هستند که شامل ظواهر و مجملات می‌شوند، اما روایات دال بر حجیت فقط بر حجیت ظواهر قرآن کریم دلالت دارند؛ لذا این دسته از روایات اخص از روایات ناهی از عمل به قرآن کریم می‌باشد.

^۳. یعنی: فهو المطلوب.

^۴. یعنی: دو دسته از اخبار که برخی بر حجیت ظاهر قرآن و دسته‌ای دیگر بر عدم حجیت ظاهر قرآن دلالت دارند.

^۵. یعنی: حين الالتزام بتساقط الفريقان.

^۶. معطوفاً علیه: بصورة مستقلة.

^۷. مرجع ضمیمه: سیره عقلانی.

^۸. توضیح: آیات قرآن سه‌گونه است: نصوص، ظواهر و متشابهات. اما موردی را که روایات ناهیه قطعاً در بر می‌گیرد، متشابهات قرآن است و موردی را که روایات مثبتیه در بر می‌گیرد، نصوص قرآن است. باقی می‌ماند ظواهر قرآن که تردید داریم آیا مانند متشابهات، تحت اطلاق روایات ناهیه داخل می‌شود یا مانند نصوص تحت اطلاق روایات مثبتیه داخل است؟ اگر صورت دوم را پذیرفتیم، معنایش آن است که در مورد ظواهر، روایات مثبتیه مقدم شده و اگر گفتیم اطلاق هر دو گروه از روایات، ظواهر را نیز شامل است آنگاه در این مورد تساقط می‌کنند و ردع ثابت نخواهد بود؛ یعنی در ثبوت ردع شک داریم و چون این روایات مربوط به زمان امام باقر و امام صادق علیهم السلام است، می‌توانیم سیره عقلانی را که قبل از آن زمان - یعنی در صدر اسلام و زمان نزول قرآن - ثابت بوده است، استصحاب کنیم و بگوییم سیره بدون ردع، ثابت بوده است.

دلیل سوّم اخباریون بر عدم حجّیت ظاهر قرآن کریم: انکار ظهور

سومین دلیل اخباریون بر عدم حجّیت ظاهر قرآن کریم، انکار ظهور قرآن است؛ یعنی اخباریون در این دلیل، هیچ ظهوری برای قرآن قائل نیستند که حجّیت آن را انکار نمایند؛ به عبارت دیگر، اخباریون در این دلیل یک بحث صغروی دارند، یعنی منکر ظهور داشتن قرآن هستند؛ نه یک بحث کبروی که عدم حجّیت ظهور قرآن است. بنابراین اخباریون تمام قرآن را مجمل می‌دانند و ظهوری برای آن قائل نیستند و دو منشأ برای مجمل بودن قرآن بیان نموده‌اند:

منشأ اوّل: خداوند سبحان عمداً قرآن کریم را مجمل بیان نموده است تا امت اسلامی، خود را بی‌نیاز از حجّت و امام ندانند؛ یعنی از آن‌جایی که اتصال به امام (ع) موجب هدایت جامعه و دوری از ایشان موجب ضلالت و گمراهی می‌شود، خداوند سبحان، قرآن کریم را مجمل نازل کرد و تفسیر و تبیین آن را به امام (ع) واگذار نمود تا بدین وسیله امت به سوی او بشتابند و با او ارتباط برقرار نمایند؛ شاید هدایت شده و از ضلالت‌های یابند.

منشأ دوم: دومین عامل اجمال قرآن کریم، آن است که این کتاب حاوی مضامین و مفاهیم بسیار عالی و رفیعی می‌باشد که نمی‌تواند به راحتی در قالب الفاظ گنجانده شود؛ لذا این موضوع موجب اجمال آن شده است و نیاز به مبیین و مفسّری دارد تا آن مضامین و مفاهیم را روشن نماید.

تطبیق

الدلیل الثالث^۱: و مرده إلى إنكار الظهور بدعوى ان القرآن الكريم مجمل، اما لتعمد من الله تعالى في جعله مجملاً^۲ لتأكيد^۳ حاجة الناس إلى الإمام،

دلیل سوم (بر عدم حجّیت ظواهر قرآن)، بازگشت این دلیل به انکار ظهور (برای قرآن) است. براساس این ادعا که قرآن کریم مجمل است و خداوند متعال در مجمل قرار دادن قرآن تعمّد داشته است تا بدین وسیله احتیاج مردم به امام را تأکید بخشد.

و اما لاقتضاء طبع المطلب، ذلك^۴ لأن علو المعاني و^۵ شموخها يقتضى عدم تيسرها للفهم.

و یا (اجمال قرآن) به جهت آن است که طبع مطلب اقتضای این را دارد؛ چون والایی و برجسته بودن معانی اقتضای آن را دارد که فهمیدن آن‌ها آسان نباشد.^۶

پاسخ به دلیل سوّم اخباریون بر عدم حجّیت ظاهر قرآن کریم

^۱. یعنی: سومین دلیل اخباریون بر عدم حجّیت ظواهر قرآن کریم.

^۲. مفعول «جعل».

^۳. متعلّق: تعمّد.

^۴. مشارّ الیه: اجمال.

^۵. و او تفسیریه است و شموخ به معنای علوّ است.

^۶. این ادعا مستند به روایات نیست، بلکه نوعی استدلال عقلی است.

شهید صدر در پاسخ به دلیل سوّم اخباریون بر عدم حجّیت ظواهر قرآن کریم، به ردّ دو منشأ ذکر شده از جانب اخباریون، برای اجمال قرآن کریم، می‌پردازند.

ردّ منشأ بودن حاجت مردم به امام و حجّت، برای اجمال قرآن کریم

شهید صدر می‌فرماید: نیاز مردم به امام معصوم (ع) نمی‌تواند منشأ اجمال قرآن کریم باشد؛ زیرا اولاً، قرآن، کتاب هدایت است و برای هدایت بشر فرستاده شده است؛ لذا تعمّد، خداوند سبحان به اجمال قرآن کریم، نقض غرض و خلاف حکمت می‌باشد.

ثانیاً، نیاز مردم به امام و حجّت نمی‌تواند منشأ اجمال قرآن کریم شود؛ زیرا خود این اصل که مردم باید به امام رجوع کنند و نیازمند به امام و حجّت هستند، یا باید توسط قرآن کریم بیان گردد و یا توسط رسول گرامی اسلام (ص)؛ اگر توسط قرآن بیان گردد، نیاز به این دارد که قرآن، مبّین و واضح باشد تا بتواند بیانگر آن مطلب باشد؛ و اگر توسط رسول گرامی اسلام (ص) بیان گردد، ابتدا باید رسالت آن حضرت ثابت شود که اثبات رسالت ایشان هم نیاز به معجزه دارد و معجزه جاویدان ایشان قرآن کریم است. حال اگر قرآن کریم مجمل باشد، چگونه می‌تواند معجزه و ثابت کننده رسالت ختمی مرتبت حضرت محمد مصطفی (ص) باشد؛ بنابراین قرآن باید مبّین باشد تا رسالت پیامبر اسلام ثابت گردد و سخن او حجّت تلقّی شود و سپس با سخن ایشان نیاز مردم به امام و حجّت ثابت شود.

ردّ منشأ بودن علوّ معانی، برای اجمال قرآن کریم

شهید صدر (ره) می‌فرماید: ظاهر قرآن کریم نمی‌تواند به خاطر علوّ معانی مجمل باشد؛ زیرا حکمت و غرض خداوند متعال از نزول قرآن کریم، هدایت امت می‌باشد؛ لذا باید کتابی نازل نماید که برای امت قابل فهم باشد. مثلاً پدری که می‌خواهد فرزند خود را هدایت و تربیت نماید به گونه‌ای سخن می‌گوید که فرزند وی آن سخنان را بفهمد و اگر به گونه‌ای که فرزند، سخنان وی را نفهمد سخن بگوید، نقض غرض نموده و خلاف حکمت عمل کرده است. خداوند سبحان نیز غرض عالی خود (هدایت بشریت) از نزول قرآن کریم را فدای بلندی و ارتفاع معانی نمی‌کند. البته این به معنای آن نیست که قرآن معانی بلندی ندارد، بلکه خداوند متعال، معانی و مفاهیم بلند قرآنی را - که اگر همه انس و جن اجتماع نمایند، نمی‌توانند مانند آنها را بیاورند - به گونه‌ای زیبا، مسجّع و مبّین، بیان نموده است که برای عموم مردم قابل فهم و ادراک باشد.

نتیجه: منشأ و وجهی برای اجمال قرآن کریم وجود ندارد.

تطبیق

و الجواب علی ذلک^۱: ان التعمد المذكور^۲ علی^۳ خلاف الحکمة من نزول القرآن،

^۱. مشارّ الیه: دلیل سوّم اخباریون بر عدم حجّیت ظواهر قرآن کریم.

^۲. یعنی: تعمّد در جعل قرآن به صورت مجمل برای عدم استغنای مردم از حجّت.

^۳. متعلق: محذوف؛ خبر «أن».

جواب از این دلیل، آن است که تعمد مذکور (از جانب خداوند در مجمل قرار دادن قرآن) برخلاف حکمت نزول قرآن (هدایت مردم) است.

و ربط الناس بالإمام فرع إقامة الحجة على أصل الدين المتوقفة^۱ على فهم القرآن وإدراك مضامينه.

و ارتباط دادن مردم به امام (ع)، فرع بر اقامه حجت بر اصل دین است که (این امر، یعنی استدلال بر اصل دین) متوقف بر فهم قرآن و ادراک مضامین آن است. (یعنی مردم در ابتدا از مطالعه معجزه جاوید پیامبر که قرآن باشد ایمان می‌آورند و اصل دین اسلام را می‌پذیرند، آن‌گاه براساس تعلیمات خدا و رسول با امام معصوم (ع) آشنا می‌شوند. پس قرآن برای مردم قبل از شناخت امام معصوم (ع) نوری و هدایتی داشته است. هرچند با مراجعه به امام معصوم (ع) این فهم کامل‌تر و عمیق‌تر می‌گردد).

كما ان شموخ المعاني و علوها ينبغي ان لا يكون على حساب^۲ الهدف من بيانها،

هم‌چنین سزاوار است که برجستگی معانی و عالی بودن آن‌ها بر خلاف هدف بیان آن‌ها نباشد. (بله اگر مثلاً کتاب اقلیدس برای مردم پیچیده و مبهم باشد، به خاطر آن است که هدف او بیان عمیق‌ترین مسائل علم هندسه برای متخصصین این فن بوده است و این هدف متناسب با پیچیدگی کتاب است).

و لما كان الهدف هداية الإنسان، فلا بد ان تبين المعاني على نحو يؤثر^۳ في تحقق هذا الهدف^۴، و ذلك^۵ موقوف على تيسير فهمه.

و چون هدف (قرآن) هدایت انسان است، پس به ناچار تبیین معانی باید به گونه‌ای باشد که در تحقق این هدف مؤثر واقع گردد و این امر موقوف بر آسان‌سازی فهم قرآن است.

فالصحيح ان ظواهر الكتاب الكريم حجة كظواهر السنة .

بنابراین صحیح آن است که ظواهر کتاب کریم مانند ظواهر سنت، حجت است.

Scor: ۳۷ : ۰۱

^۱ . صفت «الحجّة».

^۲ . در لغت یعنی: به خرج فلانی؛ و در ما نحن فيه یعنی: به قیمت از دست رفتن هدف معنای قرآن عالی شود.

^۳ . مرجع ضمیر فاعلی: بیان.

^۴ . یعنی: هدایة الانسان.

^۵ . مشاراً اليه: تبیین معانی به نحو مؤثر.

چکیده

۱. روایاتی وجود دارد که حجیت خبر ثقه را منوط به عدم مخالفت مضمون آن با قرآن کریم دانسته و هر خبری را که مضمون آن با قرآن کریم مخالفت داشته باشد، باطل و بی‌اساس می‌دانند، این روایات به «اخبار طرح» و «اخبار عرض» معروف هستند.
۲. دلالت اخبار عرض بر حجیت ظاهر قرآن کریم، واضح‌تر از روایات عرضه شروط به قرآن و روایات دال بر لزوم تمسک به قرآن کریم، می‌باشد؛ زیرا نسبت به آن اخبار دو احتمال وجود دارد که منافات با دلالت آن‌ها بر حجیت ظواهر قرآن دارند اما نسبت به اخبار عرض، آن دو احتمال منتفی می‌باشند.
۳. اخبار دال بر حجیت ظواهر قرآن کریم مقدم بر اخباری هستند که دلالت بر عدم حجیت ظاهر قرآن کریم دارند؛ زیرا دلالت این اخبار (دال بر حجیت ظواهر قرآن) واضح‌تر از دلالت اخبار مخالف می‌باشد. اگر تقدیم پذیرفته نشود، این دو دسته از اخبار با یکدیگر تعارض نموده و از حجیت ساقط می‌شوند که در این صورت دیگر دلیلی بر ردع از سیره عمل به ظواهر وجود نخواهد داشت و امضای این سیره را می‌توان به وسیله استصحاب حجیت سیره در ابتدای شریعت، کشف نمود.
۴. سومین دلیل اخباریون بر عدم حجیت ظاهر قرآن کریم، انکار ظهور قرآن می‌باشد که دو منشأ نیز برای مجمل بودن قرآن بیان نموده‌اند:
 - (الف) خداوند سبحان عمداً قرآن کریم را مجمل بیان نموده است تا امت اسلامی، خود را بی‌نیاز از حجت و امام (ع) ندانند.
 - (ب) دومین عامل اجمال قرآن کریم، آن است که قرآن کریم حاوی مضامین و مفاهیم بسیار عالی و رفیعی است که نمی‌تواند به راحتی در قالب الفاظ گنجانده شود؛ لذا بیان این مضامین و مفاهیم عالی در قالب الفاظ موجب اجمال آن شده است.
۵. نیاز مردم به امام معصوم (ع) نمی‌تواند منشأ اجمال قرآن کریم باشد؛ زیرا اولاً، قرآن کتاب هدایت است و برای هدایت بشر فرستاده شده است؛ لذا تعمد خداوند سبحان به اجمال قرآن کریم نقض غرض و خلاف حکمت می‌باشد.
- ثانیاً، اصل این که مردم نیازمند به امام و حجت هستند و باید به امام رجوع کنند، یا باید توسط قرآن کریم بیان گردد و یا توسط رسول گرامی اسلام (ص) که در هر دو صورت، نیاز به این دارد که قرآن، مبین و واضح باشد.
۶. ظاهر قرآن کریم نمی‌تواند به خاطر علو معانی، مجمل باشد؛ زیرا حکمت و غرض خداوند متعال از نزول قرآن کریم، هدایت امت می‌باشد؛ لذا باید کتابی نازل نماید که برای امت قابل فهم باشد.